

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: کایرلوس پاپاستاورو
برگردان: آمادور نویدی
۱۴ جولای ۲۰۲۱

تروتسکیسم به عنوان جنبشی فرصت طلب

(قسمت سوم و پایانی)



۸. تروتسکیسم امروز

تروتسکیسم علی‌رغم تلاش‌های مکرر جهت تشکیل کاریکاتورهای بین الملل («انترناسیونال چهارم»، و غیره)، جنبشی تفرقه انداز است. این‌روزها، گروه‌های گوناگونی وجود دارند که به عنوان تروتسکیستی توصیف می‌شوند، همچنین گروه‌هایی وجود دارند که با مواضع تئوریک تروتسکیست‌ها موافقت و پیرامون «سنت متداول» که تروتسکیسم بخشی از آنست، حرکت می‌کنند.

نکته شروع انشعابات بیش‌تر در گروه‌های تروتسکیستی «سنتی» و تشکیل به اصطلاح «نئو تروتسکیسم» در سال‌های ۱۹۵۰ بود، هنگامی‌که تونی کلیم، تئوری «سرمایه داری دولتی» خود را تنظیم کرده بود (که اشاره به ماهیت ساختار دولتی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود)، درحالی‌که تروتسکی اتحاد جماهیر شوروی را به عنوان یک «دولت تغییر یافته» توصیف می‌کرد.

در مرکز «نئو تروتسکیسم»، «گرایش سوسیالیست بین الملل» است، که در سال ۱۹۷۷ تأسیس شد. همچنین گروه‌های تروتسکیستی مشابهی در سطح بین المللی وجود دارند، که تقریباً شامل تمام گروه‌هایی می‌شود که به عنوان تروتسکیست در سطح یک کشور واحد عمل می‌کنند.

تاریخ تروتسکیست‌ها در فرانسه در سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۷۰ و امروز گویا و قابل توصیف است. گروه‌های گوناگون تروتسکیستی دارای روابط نزدیکی با سوسیال دموکراسی هستند، و «مهد کادرها» هستند، مانند لیونل ژوپین. آن‌ها آنچنان بشدت ضدکمونیست بودند که لوموند آن‌ها را به عنوان یک «جریان ضدکمونیستی چپ» توصیف می‌کرد. تروتسکیست‌ها، این‌روزها، با استفاده فرصت‌طلبانه از تولد دوباره حزب کمونیست فرانسه، ادعای نقش بزرگتری در کسب تعداد قابل توجهی آراء در انتخابات گوناگون را دارند. تروتسکیست‌ها از حزب کمونیست انتقاد می‌کنند، درحالی‌که با عناصر راست‌گرا در آن و احزاب بورژوازی (دبلیو سی تی) روابط خوبی دارند، و متعهد به سیستم بورژوازی هستند و آمادگی خود را جهت شرکت در ائتلاف‌های چپ میانه اعلام کرده اند. این امر نشان می‌دهد که یکی از گروه‌های اصلی آن‌ها، «لیگ انقلابیون کمونیست»، در همکاری با گروه اصلی دوم، «مبارزه کارگری»، هدف «فتح دیکتاتوری پرولتاریا» را از برنامه خود حذف نموده، زیرا که آن‌را «ستالینیست» توصیف کرده است.

در یونان گروه‌های گوناگون حاشیه نی تروتسکیستی وجود دارند: «حزب کارگران انقلابی»، «سازمان انترناسیونالیست‌های کمونیست یونان»، «اتحادیه کمونیست- قدرت کارگران»، «استارت»، و غیره. حزب کارگران سوسیالیست (سازمان انقلابی سوسیالیست سابق) قوی‌تر است. فعالیت آن‌ها عمدتاً از طریق پخش روزنامه خودشان آشکار می‌شود. اغلب فعالان آن‌ها در مطبوعات بورژوازی ظاهر می‌شوند. مطابق با مواضع و خصوصیات ایدئولوژیک و سیاسی آن‌ها، آن‌ها را می‌توان به عنوان نفوتروتسکیست رده بندی کرد.

حزب کارگران سوسیالیست، بخش یونانی گرایش سوسیالیست بین الملل است. این حزب احتمالاً بعد از حزب کارگران سوسیالیست بریتانیا (اس دبلیو پی)، بزرگترین حزب در اروپا باشد. این حزب به وسیله گروهی از دانشجویان تشکیل شد که پس از استقرار رژیم سیاه سرهنگان در سال ۱۹۶۷، مقیم لندن شده بودند. دانشجویان در ابتداء تحت تأثیر "مائوئیسم" بودند و یک سازمان سیاسی به نام «سازمان انقلابی سوسیالیست» تشکیل دادند. در مدت اقامت خود در لندن، این سازمان با سوسیالیست‌های بین المللی تونی کلیف آشنا شد، و پس از آن، آن‌ها تحت تأثیر تروتسکیسم قرار گرفتند. در زمانی‌که فعالان سازمان به یونان بازگشتند، تماس آن‌ها با سوسیالیست‌های بین الملل قطع شده بود، اما در اوایل سال‌های ۱۹۸۰ از سر گرفته شد. تا آن موقع، سوسیالیست‌های بین الملل تغییر نام داده، خودشان را «کارگران سوسیالیست» می‌نامیدند.

در اواخر سال‌های ۱۹۹۰، نام سازمان به «حزب کارگران سوسیالیست» تغییر پیدا کرد. در سال‌های ۱۹۷۰، آن‌ها مجله ای به نام «زن» منتشر می‌کردند، بعدها و تا به امروز حزب کارگران سوسیالیست (پی اس ای) روزنامه «همبستگی کارگران» و مجله «سوسیالیسم از پائین» را منتشر می‌کرد. از سال ۱۹۸۹ تا سال ۱۹۹۳ گروه تروتسکیستی (اس آر اس) در حال ترقی بود (برای مثال: در طول کودتاها و پیروزی ضدانقلاب در کشورهای سوسیالیسم- تأکید نویسنده)، از آن زمان به بعد در بحران طولانی و حالت نیمه جان افتاده است (که بدون در نظر گرفتن سازماندهی مجدد نیروهای طبقاتی در کشورمان قابل مشاهده نیست).

در سال ۲۰۰۱، انشعابی در حزب کارگران سوسیالیست (پی اس ای) صورت گرفت. یک طرف کارگران چپ انترناسیونالیست (آی دبلیو ال) را تشکیل داد، که از نظر ایدئولوژیک و سیاسی به بخش امریکائی گرایش مرتبط بود، که آن هم نیز انشعاب کرد. حزب کارگران چپ سوسیالیست (آی دبلیو ال) در تشکیل ائتلاف چپ رادیکال (سیریزا) و ائتلاف (اس آی ان) حزب (ائتلاف نیروهای چپ) شرکت کرد.

حضور حزب کارگران سوسیالیست (پی اس ای) در کشورمان تا حد زیادی با انتقال به یونان تعیین می‌شود، بدون تغییر موقعیت‌ها و فعالیت‌هایش در (پی اس آی) انگلیس. شخص باید فقط به وب سایت حزب کارگران سوسیالیست

(پی اس ای) نگاه کند، و فوراً آشکار می‌شود که نه فقط اصول اساسی ایدئولوژیک، بلکه حتی شعارها و فرم را وام گرفته است. فعالیت اصلی آن‌ها توزیع روزنامه و سازمان‌دهی بحث‌های هفتگی بود. در ماهیت، این سازمانی بدون یک برنامه سیاسی - حداقل یک برنامه منتشر شده است - که «کار سوسیالیستی» را به فعالیت گرائی تقلیل می‌دهد. هیچ ستراتیژی وجود ندارد، فقط تبلیغات کلی و غیرعملی و عاری از کیفیات واقعی برای انقلاب و سوسیالیسم. در آن سازمان‌های توده‌ئی (برای مثال: اتحادیه‌های کارگری، کلوپ‌ها و غیره) که در آن‌ها نفوذ دارند، از هر فعالیتی حمایت می‌کنند و در فعالیت‌های پذیرفته شده توسط «انجمن اجتماعی» یا «گرایش سوسیالیست بین الملل» شرکت می‌کنند. آن‌ها خواسته‌ها و اهداف خاصی را جهت مبارزه توسعه نمی‌دهند و فقط بر روی اشکال مبارزه تمرکز می‌کنند. به این معنا که، خواسته‌های اعتصاب، تظاهرات یا تصرف ساختمان‌ها که برای آن‌ها مهم نیست، بلکه اقداماتی که صرف‌نظر از گرایش سیاسی آن‌ها، «یک شخصیت انقلابی» به خودشان نسبت دهد.

۹. خصوصیات مشترک گروه‌های تروتسکیست

گروه‌های عمده تروتسکیستی در یونان و در سطح بین المللی، علی‌رغم اختلافات شخصی، دارای ویژگی‌های مشترک زیر هستند:

۱ - مراجعات به تروتسکی

تروتسکیست‌ها از مسیر سیاسی تروتسکی حمایت می‌کنند. آن‌ها مواضع مختلف تروتسکیستی را به صورت النقاطی تفسیر می‌کنند، نه به عنوان یک اسلوب اندیشه سیاسی (که نیست). تروتسکیست‌ها به لنین و کارهای او مراجعه می‌کنند تا نشان دهند که تروتسکی ادامه دهنده کار لنین است. تروتسکیست‌ها مخالفت لنین و ستالین هستند و همه مشاجره‌های ضد ستالینی را بازتولید می‌کنند.

۲ - تبلیغات ضد سوسیالیستی

تروتسکیست‌ها منکر دست‌آوردهای سوسیالیسم در قرن ۲۰ در اتحاد جماهیر شوروی و در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی هستند. تروتسکیست‌ها سرنگونی سوسیالیسم را به عنوان پیش‌رفت اجتماعی در نظر می‌گیرند و از کل اقدامات ضدانقلابی جهت برگرداندن سرمایه داری که در کشورهای سوسیالیستی سابق گسترش یافته است، حمایت می‌کنند و آن‌ها را «انقلابات توده‌ئی» می‌خوانند.

برای مثال، حزب کارگران سوسیالیست یونان و ادبیات سیاسی ام‌تی‌اس، سازمان بین المللی که به آن تعلق دارد، به کودتاهای ضد کمونیستی خوش آمد می‌گوید و آن‌ها را «جنبش‌های مردمی» و «قیام‌های مردمی» می‌خواند. تروتسکیست‌ها حتی اقداماتی را که سیا و مقامات قبلی دولت‌های سرمایه داری به مشارکت مستقیم و غیرمستقیم در کودتاهای ضد کمونیستی اعتراف کرده اند، به عنوان «جنبش‌های مردمی» و «قیام‌های مردمی» توصیف می‌کنند. تروتسکیست‌ها تمام تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی را بازتولید می‌کنند. بدین‌سان، شماره ۵۹۳ روزنامه اس آر پی «روبوچایا سولیدارنوست» گزارش داد:

«روسیه ستالین، روی کاغذ، فاشیسم ناسازگار بود. هابسبوم می‌نویسد، "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی"، عمدتاً به دلیل مقاومت ثابت قدم خود با المان نازی، که خلاف غرب تردید نشان داد، توده پسند بود..." با این حال، در اگست ۱۹۳۹، روسیه "آشتی ناپذیر" یک توافق‌نامه مخفی با المان بست. معاهده ننگین مولوتوف - ریببنتروپ، کشورهای بالتیک را به اتحاد جماهیر شوروی "داد" و پولند را بین دو کشور "تقسیم" کرد. در سپتامبر ۱۹۳۹، زمانی که سربازان المانی وارد پولند غربی شدند، "ارتش سرخ" ستالین وارد پولند شرقی شدند.

در مدت یک‌ماه، دیگر پولندی وجود نداشت. این طرح "بارباروسا" و حمله ناگهانی آلمان به روسیه در جون ۱۹۴۲ بود، که ستالین را به سوی "متفقین" کشاند».

تروتسکیست‌ها با کمک چنین افترااتی تلاش می‌کنند تا نقش قاطع اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مبارزه علیه فاشیسم، همچنین کمک جنبش کمونیستی در پیروزی مردم علیه محور امپریالیسم را بی اثر جلوه دهند، و بدین‌سان نقش دولت‌های سرمایه داری را در تقویت فاشیسم در اروپا توجیه کنند.

تروتسکیست‌ها به تبلیغات امپریالیستی وفادار هستند که کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی فقط در نتیجه پیش‌روی سربازان شوروی پدید آمدند. بدین‌سان، تروتسکیست‌ها می‌گویند:

«در کشورهای اروپای شرقی، مانند "جمهوری دموکراتیک آلمان" ... در هیچ جایی انقلاب کارگری وجود نداشت... آن‌ها توسط پیش‌روی سربازان ستالین به برلین در سال‌های ۱۹۴۴-۱۹۴۵ گرفته شدند. سپس نقشه جدید اروپا هنگام تقسیم بدبینانه منافع نفوذ به وسیله "متفقین" در کنفرانس‌های یالتا و پوتسدام به رسمیت شناخته شد. هیچ‌کس از کارگران پولند نپرسید که آیا آن‌ها می‌خواهند در حوزه نفوذ روس‌ها باشند، به همان‌گونه هیچ‌کسی از کارگران یونان نپرسید که آیا آن‌ها "حامیان" بریتانیایی و امریکایی را می‌خواهند».

تروتسکیست‌ها در اینجا دو موضوع کاملاً متضاد از همبستگی طبقاتی بین‌المللی را یک‌سان فرض می‌کنند. از یک‌طرف، همبستگی سرمایه داری بین‌المللی را با حمله انگلو-امریکایی به کشورمان، و از طرف دیگر، کمک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ارتش سرخ را در ساخت سوسیالیسم در اروپای مرکزی و شرقی، و تأثیر مثبت آن را بر کارگران این کشورها و بقیه جهان.

متعاقب تصور کلی آن‌ها از "سرمایه داری دولتی" در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، تروتسکیست‌ها مقابله بین سوسیالیسم و سرمایه داری را از ۱۹۴۵-۱۹۸۹ به عنوان یک درگیری درون امپریالیستی در نظر می‌گیرند:

«آن‌طوری که ستالینیست‌های آن دوران ادعا می‌کردند، پیمان وارسا "یک نیروی مخالف امپریالیسم امریکا" نبود، بلکه آن یک اردوگاه امپریالیستی رقیب بود که مردم خود را سرکوب و غارت می‌کرد، به همان‌گونه ای که ناتو مردم خود را سرکوب و غارت می‌کرد».

چنین نظریه هائی به ایدئولوژی و تبلیغات بورژوازی درباره به اصطلاح شکست ساخت سوسیالیسم قوت قلب می‌دهد.

۳ - همکاری با سوسیال دموکراسی

مدارک تاریخی فراوانی، به ویژه در یونان و اروپا وجود دارد، که از یک ارتباط آشکار و بی شرط و شروط بین تروتسکیست‌ها و سوسیال دموکراسی پرده بر می‌دارد، که متعاقب تاکتیک‌های «انتریسیم - یعنی ورود در احزاب و سازمان‌ها» توسط تروتسکیست‌ها به کار گرفته شد. فعالیت‌های تروتسکیست‌ها، به هردو، جهت شکل‌گیری ضروری بخش «چپ» احزاب سوسیال دموکرات و همین‌طور به جهت‌گیری «چپ» ضدکمونیستی این احزاب کمک کرد. امروزه، تروتسکیسم با احزاب سوسیال دموکرات به اشکال مختلف رابطه دارد. بسیاری از احزاب سوسیال دموکرات در درون احزاب خود تمایلات تروتسکیستی داشته اند (و هنوز هم دارند). برای مثال، گروه تروتسکیستی «استارت» در یونان، که روزنامه خود را تحت عنوان «استارت - گرایش مارکسیستی پاسوک» منتشر می‌کرد.

تروتسکیست‌ها در طول سال‌ها، از احزاب سوسیال دموکرات مانند جنبش اجتماعی پان هلینیک (پاسوک) در یونان، حزب کارگر در انگلیس پشتیبانی کرده اند، به ویژه در دوران‌هایی که جنبش کارگری توهامات زیادی درباره ماهیت و نقش سوسیال دموکرات‌ها داشتند. تروتسکیست‌ها همکاری خود را با اصطلاحات انقلابی تزئین کرده و می‌کنند، و به

مردم اصرار می‌کنند که به پاسوک رأی بدهند، درحالی‌که در همان‌زمان دربارهٔ انقلاب و سوسیالیسم حرف می‌زنند، «تئوری‌هائی» را مطرح می‌کنند که انقلابیون به انتخابات اهمیت نمی‌دهند.

امروزه، موضع صریح سوسیال دمکرات‌ها- مانند یک حزب سیاسی بورژوازی- تروتسکیست‌ها را مجبور می‌سازد که از آن‌ها فاصله بگیرند و تاکتیک‌های خود را عوض کنند.

علی‌رغم این، تروتسکیست‌ها متحدان «طبیعی» رهبران اتحادیه‌های کارگری سوسیال دمکرات کنفورمیست- دست‌نشانده و بله قربان‌گوی هستند و از تاکتیک‌های آن‌ها علیه طبقه کارگر حمایت می‌کنند. گروه تروتسکیستی (اس آر اس) و بقیه گروه‌های تروتسکیستی در راهپیمائی‌ها و رویدادهائی که توسط رهبران دست‌نشانده و بله قربان‌گوی (جی سی ائی ائی) (همه کنفدراسیون‌های کارگران یونان) و (ای دی ائی آی) (همه کنفدراسیون‌های بخش عمومی کارگران یونان) سازمان‌دهی شده، به نام «وحدت» طبقه کارگر و «کار با توده‌ها» شرکت می‌کنند.

تروتسکیست‌ها علیه تاکتیک‌های سی پی جی (حزب کمونیست یونان) در جنبش اتحادیه‌های کارگری مبارزه می‌کنند، و علیه حمایتی که حزب کمونیست یونان از اتحادیه‌ها در پی ای ام ائی (جبهه همه کارگران ملیتانت) می‌کند، اتهامات سکتاریسم، انزواطلبی، و تفرقه در حزب کمونیست یونان را بازتولید می‌کند. انتخاب ورود به رویارویی با جبهه همه کارگران ملیتانت، به معنای علنی بازی کردن در دست فعالیت اتحاد کارگری «کومپانیون» حامی دولت است. درنظر بگیرید، برای مثال، که چگونه تروتسکیست‌ها دربارهٔ عمل‌کرد اتحادیه‌های کومپانیون در ۱۱ ماه مه سال ۲۰۰۵ اظهار نظر کردند:

«تعداد قابل توجهی از تظاهرکنندگان در خیابان قهرمان مریخ - چامپ دی مارس جمع شدند»، دربارهٔ موضع رهبری سازش‌کار همه کنفدراسیون‌های کارگران یونان و همه کنفدراسیون‌های بخش عمومی کارگران یونان اظهار نظر می‌کردند: «اگرچه رهبران همه کنفدراسیون‌های کارگران یونان و همه کنفدراسیون‌های بخش عمومی کارگران یونان تأمل کردند و با یک راه حل متقابل با تقابل دولت موافقت نکردند، اما مردم این تقابل را احساس کرده و این پیام را دادند که آن‌ها تسلیم نخواهند شد، یا سلاح‌های خود زمین نمی‌گذارند».

رهبران همه کنفدراسیون‌های کارگران یونان و همه کنفدراسیون‌های بخش عمومی کارگران یونان «بی‌عرضه» یا «مردد» نیستند: آن‌ها آگاهانه از سیاست اصلاح سرمایه داری، و ستراتیژی سرمایه حمایت می‌کنند. نقش تروتسکیست‌ها مانور دادن، تضعیف و آشتی دادن احساسات کارگران است، در حالی‌که وفاداری خودشان را نسبت به سیاست‌های سوسیال دمکرات‌ها مستحکم می‌کنند.

در این‌راه، تروتسکیست‌ها و فرصت‌طلبان راست‌گرای کنونی ائتلاف چپ و جنبش‌های محیط زیستی (سی آی ان) با بازتولید توهّمات دربارهٔ یک «پاسوک مبارز و چپ»، با معرفی رهبران همه کنفدراسیون‌های کارگران یونان و همه کنفدراسیون‌های بخش عمومی کارگران یونان به عنوان مدافعان اتحاد طبقه کارگر و با پنهان کردن نقش خرابکارانه خود در جنبش اتحادیه‌های کارگری خدمات بزرگی ارائه می‌دهند.

۴- اشکال مختلف حمایت از سازش با سیستم سرمایه داری

گروه‌های تروتسکیستی حامیان اصلی «انجمن‌های اجتماعی» هستند. تروتسکیست‌ها براین باورند که از طریق چنین ساختارهایی موضوع «انقلاب جهانی» و هم‌آهنگی آن شکل می‌گیرد. گرایش‌های مختلف تروتسکیستی ادعا می‌کنند نقش رهبری را در این ساختارها دارند، و آن‌را به عنوان اثبات موضع خودشان در اولویت قرار دادن مبارزه در سطح بین‌المللی، و تحقیر و تقلیل نقش مبارزات در سطح ملی درنظر می‌گیرند. تئوری‌های مرتبط با «جنبش‌های نو» درمقابل با «کهنه» شده‌های وابسته به جنبش کمونیستی و بشدت ضدکمونیست بودن این ساختارها در شکل ضدستالینیستی،

شرایط مناسبی برای فعالیت‌های تروتسکیست‌ها ایجاد می‌کند. تروتسکیست‌ها ادعا می‌کنند که در چنین ساختارهای منطبق با سیستم سرمایه داری، تحت سلطه سوسیال دموکراسی و نمایندگان تنظیم سرمایه داری، جناح «چپ» و «انقلابی» هستند. تروتسکیست‌ها با عبارات «انقلابی»، نارضایتی عمومی را عمدتاً در میان بخش‌های بی تجربه طبقه کارگر، جوانان، و خرده بورژوازی و از جمله آن‌هایی که در ساختارهای اقامت هستند، خنثی می‌کنند.

تروتسکیست‌ها خط سنتی فرصت‌طلبان و سوسیال دموکرات‌ها، سیاست سازش و همکاری درون «جنبش ضدجنگ» را با یکی از مراکز امپریالیستی در مبارزه علیه دیگران (برای مثال، علیه سلطه آمریکا درون به اصطلاح «جهانی سازی») دنبال می‌کنند. نقش تروتسکیست‌ها در طی سومین «مجمع اجتماعی اروپا» که در لندن برگزار شد، تحت حفاظت تالار شهر لندن، حمایت شده توسط روزنامه گاردین و با مسئولیت سازمان‌دهی شرکت ناشناس «مجمع اجتماعی اروپا- لندن ۲۰۰۵ سی اُ اُ» افزایش یافت، همچنین تروتسکیست‌ها مدعی این نقش در چهارمین مجمع اروپایی (انی یو اف) در آتن شدند.

کوشش‌های سیستمی جهت ایجاد ساختارهایی شده است که در آن نیروهای کمونیست (یا ناشی از کمونیست) با تروتسکیست‌ها و سوسیال دموکرات‌ها زیر چتر فرصت‌طلبی همزیستی کنند. تروتسکیست‌ها نسبت به شکل‌گیری «حزب چپ اروپا» نظر مثبتی دارند، به علاوه، تروتسکیست‌ها در بریتانیای کبیر، اعضای ائتلاف انتخاباتی «احترام» معاون سابق حزب کارگر گلاهوئی هستند که درخواست پیوستن به حزب چپ اروپا کرده است. ارزیابی زیر خاص است:

«اولین کنگره پی ائی ال (حزب چپ اروپا) در روز یکشنبه، ۳۰ اکتوبر به پایان رسید. از لحاظ تعداد شرکت کنندگان، این یک رویداد چشمگیر بود. نمایندگان حزب و دعوت شدگان از تقریباً هر حزب چپ در اروپا در این کنگره شرکت کرده بودند. این احساس در همه جا وجود داشت که پس از این‌که فرانسه و هالند به قانون اساسی اروپا نه گفتند و پس از نتایج انتخابات در آلمان، چیز جدیدی متولد شده است».

۵ - طرز برخورد به ساختار امپریالیستی اتحادیه اروپا

عدم شناسایی کامل اتحادیه اروپا به عنوان امپریالیست یکی از خصوصیات مشخص همه گروه‌های تروتسکیستی است. این مبحث در اسناد آن‌ها به صورت بسیار محدود ارائه شده است. به علاوه، در گذشته، آن‌ها به طور فعال به سی اچ آر جی برای موضع خود علیه اتحادیه اروپا حمله می‌کردند، براین باور بودند که این موضع، ملی‌گرایانه است و منافع بورژوازی یونان را بیان می‌کند که به دنبال مقام مطلوب تری در سیستم امپریالیسم بین المللی است.

مسئله مبارزه علیه اتحادیه اروپا در هیچ جایی مطرح نشده است، برای این‌که چنین هدفی به تجزیه و تحلیل لنینیستی و نه تروتسکیستی از امپریالیسم، با تئوری لنینیستی توسعه ناهموار، با تئوری «حلقه ضعیف» امپریالیسم و امکان آغاز و انجام انقلاب در یک کشور مرتبط است. از سوی دیگر، ایجاد اتحادیه اروپا توسط جریان‌های مختلف تروتسکیستی به عنوان یک عرصه مبارزه طبقاتی دیده می‌شود و این واقعیت از موضع آن‌ها در انتقال مبارزه طبقاتی از سطح ملی به سطح منطقه‌ای و تئوری انقلاب جهانی آن‌ها دفاع می‌کند.

با این حال، خود تروتسکی یکی از بنیان اصلی شعار «ایالات متحده اروپا» بود، که تحت تأثیر تئوری «ابرامپریالیسم» کائوتسکی بود. لنین این شعار را در مقاله «درباره شعار ایالات متحده اروپا» رد کرد، و بروشنی اظهار داشت که اتخاذ چنین شعاری به معنای انکار قانون توسعه ناهموار، و امکان پیروزی سوسیالیسم در یک کشور است.

در همان حال، پشتیبانی و مشارکت فعال و جدی تروتسکیست‌ها در مجامع اجتماعی اروپا و حمایت از شعار «اروپای دیگری ممکن است»، تروتسکیست‌ها را به عنوان حامیان امپریالیسم اروپا طبقه بندی می‌کند. این امر تروتسکیست‌ها را

به بخشی از شونینسم اجتماعی مدرن اروپا تبدیل می‌کند، که به خاطر تلاش جهت حمایت از مرکز امپریالیستی اروپا به عنوان رقیبی برای امریکا در نظر گرفته می‌شود.

۶ - حمله به جنبش کمونیستی

تمام گروه‌های تروتسکیستی، به طور سیستمی به عنوان نیروهای ضدکمونیستی عمل می‌کنند. زیرا که از نظر تاریخی صفت ممیزه جریان‌های تروتسکیست است - با استفاده از جملات و اصطلاحات «انقلاب» و «سوسیالیسم» خودشان را به عنوان مارکسیست تعریف می‌کنند و به مارکسیسم کلاسیک ارجاع می‌دهند.

ضدکمونیسم بودن تروتسکیست‌ها در یونان با «حملات دوستانه» به حزب کمونیست، عمدتاً به اعضا و فعالان آن همراه است. این حملات دوستانه تروتسکیست‌ها شامل تعریف از اعضا و حامیان معمولی حزب به عنوان مبارزان، و در عین حال، به عنوان عناصر آموزش ندیده از نظر سیاسی است که به دنبال سیاست‌های «رفرمیست» سی ای آر جی می‌باشند. تروتسکیست‌ها در تلاش برای گیج کردن اعضا و هواداران حزب، از چالپوسی برای حزب کمونیست یونان و ک ام جی (جوانان کمونیست یونان) جهت انتخاب شرکت در مبارزه سازمان‌دهی شده کوتاهی نمی‌کنند و آن‌ها را رفقاء و غیره خطاب می‌کنند. التقاط ایدئولوژیک تروتسکیست‌ها در خدمت همان تاکتیک است. تروتسکیست‌ها کلاسیک مارکسیسم را که از متن گرفته شده است، ذکر می‌کنند، که یا به جهت حمایت از ترهانشان باشد، یا به حزب کمونیست یونان حمله کنند. عناصر اصلی انتقاد تروتسکیست‌ها علیه حزب کمونیست یونان و جوانان کمونیست یونان به شرح زیر است:

تلاش جهت اثبات این‌که کل مسیر تاریخی حزب، مسیری از خیانت رهبری حزب از اساس به توده هائی است که از حزب پیروی می‌کنند.

الگوی تروتسکیست‌ها از شروع ائی ای ام (جناح ارتش خلقی حزب کمونیست در طول جنگ جهانی دوم)، قیام دسمبر، دی اس ائی، حوادث جولای و قیام دانشگاه پلی تکنیک تا به امروز، بازتولید تقابل بین توده مردم و رهبری بوده است. تروتسکیست‌ها، «خط ستالینیست- رفرمیست» را به عنوان دلیلی جهت «وضع خائنانه» حزب کمونیست یونان ذکر می‌کنند. به طور کلی، تروتسکیست‌ها براین باورند که جنبش کمونیستی سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۳۰ مسؤول شکست انقلاب‌ها در اروپا و برای صعود فاشیسم و غیره است.

تروتسکیست‌ها، تعمداً سیاست حزب کمونیست یونان را تحریف می‌کنند. تروتسکیست‌ها، خط استدلال پاسوک مبنی بر همکاری حزب کمونیست یونان با دموکراسی جدید(ان دی) را تکرار می‌کنند. این امر مشکلاتی فردی نیست، بلکه ماهیت سیاسی حزب است که در تیررس تروتسکیست‌ها قرار دارد: طرز برخورد تروتسکیست‌ها به کنفرانس‌ها، به فرصت‌طلبی، تاکتیک‌های تروتسکیست‌ها در برابر رهبران اتحادیه های کارگری کنفورمیست(دست نشانده و بله قربان گوی)، موضع تروتسکیست‌ها در باره تجربه سوسیالیسم قرن ۲۰ و غیره. بدین‌سان، تروتسکیست‌ها به حزب کمونیست یونان تهمت می‌زنند که «موضع حزب در باره مبارزات عمده، منفی است»، و حزب و رهبری کومسومول، با «جنبش هائی که الهام‌بخش هزاران جوان است و برای ساخت جهانی بهتر زحمت می‌کشند، با شیوه های سکتاریستی و محافظه کارانه برخورد می‌کنند».

موضع‌گیری نیاز به «وحدت چپ»، یکی از «حملات دوستانه» اصلی تروتسکیست‌ها (به ویژه به آی آر ال، که متعلق به سیریزا می‌باشد) و اس آر اس در رابطه با حزب کمونیست یونان و ک ام جی (جوانان کمونیست یونان) است. همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، تروتسکیست‌ها همواره به دنبال ایفای نقش «حلقه رابط» بین جریان انقلابی و فرصت‌طلب

بوده اند، اگرچه که تروتسکیست‌ها به این نقش در نوشته های خود اعتراف نمی‌کنند. بنابراین، اس آر اس از آی ان دی برای ترس و اعتراف به شکست انتقاد می‌کند، اما نه جهت سیاست خود آی ان دی:

«یک چپ جدید امکان‌پذیر است و می‌تواند این پویایی را تفسیر کند و برای کارامانلیس و همچنین اپوزسیون پاپاندریوس حریص تبدیل به سردرد گردد. او فقط نیاز دارد سکتاریسم خود را ترک کند، که برای سالیان زیادی نشان برجسته رهبری حزب کمونیست یونان بوده است. درواقع، حتی اکنون، ریزوسپاستیست (ارگان مرکزی حزب کمونیست – یادداشت نویسنده) کاری به جز حمله به چپ المان انجام نمی‌دهد. تمام چیزی که برای رهبری سی آی ان (ائتلاف چپ و جنبش‌های محیط زیستی) لازمست، با اعتراف به شکست خود خداحافظی کند. حتی در تعطیلات آخر هفته، در زمان انتخابات المان، آلیکوس آوانوس به جوانان اصرار می‌کرد که فراخوان‌های "بیائید و جهان را تغییر دهید" را دنبال نکنید، اما بپیوندید تا ببینید که آیا ما می‌توانیم چیزی را در جهان تغییر دهیم».

البته، تروتسکیست‌ها نه فقط از ائتلاف «سازمان‌های چپ»، حمایت می‌کنند، بلکه از یک ائتلاف با به اصطلاح «سوسیال دموکراسی چپ»، که در یونان توسط پولیزوگوپولوس و اتحادیه های کارگری کمپانی نمایندگی می‌شود، نیز حمایت می‌کنند. در پایان، تروتسکیست‌ها بحث می‌کنند که «برای هواداران پاسوک و تمام چپ، امید هست که افرادی وجود دارند که مبارزه می‌کنند و این مبارزه را می‌توان تفسیر سیاسی کرد».

«مسئله پیداکردن کسانی نیست که به جناح چپ پاسوک تبدیل خواهند شد، کسانی که کناره گیری کنند و شرایط مشابهی به فرانسه، المان و انگلیس ایجاد کنند. تاریخ خودش را تکرار نمی‌کند. الگوهای چگونگی همکاری نکردن برخی از افراد و ایجاد احزاب چپ باقی نمی‌ماند. نکته اصلی اینست که اکنون، وقتی که جنبش علیه دموکراسی جدید اعتصاب، تظاهرات و سازماندهی می‌کند، پاسوک نقشی برعهده نمی‌گیرد، ما این باید این نقش را به عهده بگیریم، همان‌گونه که تاکنون در اعتصاب‌ها در تیسالونیکی انجام داده ایم».

نتیجه گیری

به طور خلاصه، ضدکمونیست بودن گروه‌های تروتسکیستی نه فقط تروتسکیست‌ها را به سوسیال دموکرات‌ها و سیاست‌های فرصت‌طلبان چپ نو، بلکه همچنین به تبلیغات و اقدامات ارتجاعی نزدیک‌تر می‌کند. علی‌رغم تعداد فوق العاده اندک تروتسکیست‌ها، نمی‌توان آن‌ها را دست‌کم گرفت. زیرا که لباس «مارکسیستی» تروتسکیست‌ها، پوششی «انقلابی» برای ایدئولوژی حاکم بورژوازی ارائه می‌دهد. بورژوازی، همانند همه جریان‌های فرصت‌طلب راست و چپ، برای مطیع کردن گرایش‌های رادیکال برخاسته از جنبش‌های کارگری و جوانان از تروتسکیست‌ها استفاده می‌کند.

درباره نویسنده:

کایریلوس پاپاستاورو، رئیس بخش ایدئولوژیک کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان است.

برگردانده شده از:

Trotskyism as an Opportunist Movement

by Kyrillos Papastavrou

<https://us.politsturm.com/trotskyism-as-opportunist-movement>

قدردانی و تشکر:

بدینوسیله از رفیق یونانی - فوکیون (عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست استرالیا) - جهت کمک برای شناسائی اسامی احزاب و سازمان‌های یونانی در این مقاله تشکر می‌شود!

CPG حزب کمونیست یونان

انتلاف چپ و جنبش‌های محیط زیستی (سی آی ان). **SIN (Coalition of the Left Forces) party**

کارگران چپ انترناسیونالیست **(IWL), "Internationalist Workers' Left"**

حزب کارگران سوسیالیست **(SWP) Socialist Workers Party**

جبهه همه کارگران منیلتانت **PAME (All-Workers' Militant Front)**

حزب کارگران سوسیالیست (پی اس ای) **PSA**

پاسوک : جنبش اجتماعی پان هلنیک **PASOK**

انی ای ام: جبهه آزادیبخش ملی **EAM**

انی ال ای اس: ارتش خلقی هلنیک **ELAS**

پی انی ال (حزب چپ اروپا) **PEL**